

ایسکرا

۹۷۱

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 004915778789846
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدال گلپریان

۲۶ دی ۱۳۹۷، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۹ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

خروج آمریکا از کردستان سوریه، بحران خاور میانه و مسئله کرد مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

ایسکرا: دونالد ترامپ بر خروج نیروهای نظامی آمریکا تاکید میکند و از سوی دیگر هشدار میدهد که در صورت حمله ارتش ترکیه به نیروهای کرد در کردستان سوریه و مناطق دیگر بی تفاوت نخواهد بود و همزمان نوشته است اگر ترکیه به کردستان سوریه حمله کند اقتصاد ترکیه را نابود میکند. شما این سیاست ترامپ را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا ترامپ میخواهد شریک نظامی خود در ناتو را با تحریم اقتصادی روبرو کند؟

آسنگران: همه کسانی که فکر میکردند ترامپ به کردها خیانت کرده است! اکنون با این توییت تازه ترامپ دلخوش شده اند که او در دفاع از کردهای سوریه اقتصاد ترکیه را نابود کند. در حالیکه این پیام ترامپ دو بخش دارد و بخش دومش را دوست ندارند ببینند که نوشته است بیست میل از مناطق مرزی ترکیه و کردستان سوریه منطقه امن اعلام میشود که نیروهای کردستان سوریه کنترلی بر آن نخواهند داشت و این تضمینی است که آمریکا به ترکیه داده است. از طرف دیگر مذاکره ی.پ.گ. با دولت بشار اسد آغاز شده است و همچنانکه قبلا نوشتیم روند اصلی تحولات این است که ارتش دولت مرکزی سوریه بر تمام مناطق سوریه تسلط پیدا کند. بقیه مسائل و تحولات سوریه فرعی تر و کم اهمیت تر است. بنابر این تمام تحلیلهای آبکی و سطحی جریانات و شخصیتهای سیاسی که تصور دیگری از روندهای کردستان و کشور سوریه در ذهن داشتند و ذهنیت خود را بجای واقعیت بخورد مخاطب خود میدادند اکنون باید دوباره فکر کنند بعد دست به تحلیل بزنند.

در پاسخ به این بخش از سوال که آیا ترامپ میخواهد یک عضو ناتو را تحریم کند باید بگویم پاسخ عمومی این است که این دولتها در مناسباتشان با همدیگر دوست و دشمن دائمی ندارند. آنها بارها تاکید کرده اند که نه دوست و نه دشمن همیشگی ندارند بلکه منفعت خود را تنها معیار دائمی برای سنجش دارند. بنابر این عضو ناتو بودن و نبودن معیار اصلی برای هیچکدام از طرفین نیست بلکه منافع سیاسی و اقتصادی این دولتها تعیین میکنند که چه سیاستی در پیش گیرند. صفحه ۲

شب از نیمه گذشته بود

سخنرانی در مراسم یادبود
اعدامهای دهه شصت/شهر کن!

صفحه ۸

شمی صلواتی

خودکشی ۴۲ کودک پرونده سنگین جنایت حکومت اسلامی است.

نسان نودینیان صفحه ۳

علیه حکومت کشتار و شکنجه و تجاوز بمیدان بیائیم!

حمید تقوایی صفحه ۴

بگذار سخن بگویم! از عمیق ترین دردها برجسم و روحم!
جنبش ME TOO در ایران، کمپین نه به تجاوز!

مینا احدی صفحه ۴

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان صفحه ۵

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی صفحه ۶

راز شکست حکومت در مقابل اسماعیل بخشی چیست؟

اصغر کریمی صفحه ۷

حاضر در یک دادگاه عادلانه در مورد خودم و برادرم
اسماعیل بخشی و شکنجه هایی که شدیم شهادت بدهم

سپیده قلیان صفحه ۷

اطلاعیه های حزب

صفحه ۹

- *اعتراض و اولتیماتوم کارگران نیشکر هفت تپه
- *با شروع اعتصاب در هفت تپه یک ماه دستمزد معوقه کارگران پرداخت شد
- *کارگران فولاد اهواز خواهان آزادی بدون قیدو شرط همکاران خود هستند
- *اخباری از اعتراضات کارگری علیه دستمزدهای پرداخت نشده در ۲۲ دی ماه
- *تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته مقابل مجلسدردمان رایگان حق مسلم ماست
- *اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتراضات معلمان و چند خبر مهم دیگر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خروج آمریکا از کردستان...

از صفحه ۱



آمریکا را ناچار کرده اند در افغانستان با طالبان مذاکره کند و در عراق تن به همکاری با جریان‌های اسلامی همپیمان جمهوری اسلامی بدهد و در سوریه وجود اسد را بپذیرد و در یمن هم دنبال راهی برای مذاکره باشد.

اما یک فاکتور جدی در این میان متحول شده است و آن اینکه آمریکا متوجه شده است همه شکست‌هایش در منطقه ریشه در تهران دارد و باید با این حکومت تعیین تکلیف کند. تشدید تقابل جمهوری اسلامی و آمریکا در چند سال اخیر از اینجا ناشی می‌شود. به همین دلیل تقابل جمهوری اسلامی و آمریکا علاوه بر ضدیت همیشگی جریانات اسلامی با آمریکا و غرب، ریشه ای، عمیق و همه جانبه است. در این جدال اخیر، جمهوری اسلامی ناچار است یا تسلیم سیاست آمریکا بشود یا راه انزوا و فروپاشی اقتصادی را انتظار بکشد که این پروسه آغاز شده است.

ایسکرا: دب‌نال سفر وزیر خارجه آمریکا مایک پمپئو به عراق، جواد ظریف وارد بغداد شد. تا جاییکه در خبرها آمده بود بنظر میرسد دولت جدید عراق همچون دوران مالکی و عبادی فرش قرمز زیر پای جواد ظریف نینداخت. آیا این به معنی ضعیف شدن موقعیت حکومت اسلامی در عراق نیست؟

آسگران: اگر نخواهم مثل بقیه جریانات و افراد اپوزیسیون تحلیل‌های سطحی و فکر نشده تحویل خواننده بدهم باید بگویم این اتفاقات هنوز فاکتور جدیدی محسوب نمی‌شوند که مبنای تحلیل من را شکل بدهند. اما آغاز یک

جدال سخت است و عاقبتش معلوم نیست. زیرا جدال آمریکا و جمهوری اسلامی ابتدا نه در بغداد بلکه در تهران و واشنگتن تعیین تکلیف می‌شود. من مسئول روحیه دادن به مخاطب نیستم که مثل گرایشات سنتی هر اتفاق کوچکی را یک شکست نشان بدهم و معلوم نباشد در پس این همه شکست چرا هنوز آنها حاکم و تصمیم گیرنده هستند و ما تحت ستم و سرکوب، بنابر این باید خواننده را همانند خود مطلع و آگاه فرض کرد. برای همین تلاشم این است که برابر با بقیه شهروندان حرفم را به اشتراک بگذارم. از نظر من نه دولت بغداد یک سمت و سوی واحد و تشبیت شده دارد و نه موقعیت آمریکا و جمهوری اسلامی چنان با ثبات است که بشود آنرا بلند مدت فرض کرد. همه این فاکتورها در حال تحول و جابجایی هستند.

ایسکرا: شما قبلاً نوشتید حل مسئله کرد در پایان بحران خاورمیانه یکی از اتفاقات این منطقه خواهد بود. با توجه به تحولات این منطقه در ترکیه و سوریه و عراق آیا هنوز این نظریه را دارید؟

آسگران: بدون شک اینطور است. من هنوز فکر می‌کنم حل مسئله کرد و رفع ستم ملی به عنوان یک موضوع تاریخی و گوشه ای از بحران خاورمیانه، هم برای بورژوازی و هم برای طبقه کارگر و کمونیستها به امری غیر قابل چشم پوشی تبدیل شده است. جریانات و دولت‌های بورژوایی در هر چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه متوجه شده اند فقط با ابزار سرکوب نمیتوانند برای طولانی مدت این مشکل را حل نشده باقی بگذارند. آنها میدانند برای تولید و سودآوری و انباشت سرمایه باید امنیت وجود داشته باشد. بنابر این یکی از فاکتورهای نا امن شدن منطقه وجود همین ستم ملی و مسئله کرد است و باید حل بشود. از نظر طبقه کارگر و کمونیستها هم معلوم است که برای بنیاد نهادن یک جامعه آزاد و برابر وجود هر نوع ستم و نابرابری پذیرفته نیست و باید شهروندان اعضا برابر یک جامعه باشند. علاوه بر این کمونیستها مبارزان پیگیر برای رفع ستم ملی بوده اند و راه حل واقع

بینانه ای برای حل مسئله کرد پیشنهاد کرده اند.

ایسکرا: آیا عقب نشینی ترامپ از کردستان سوریه خلاف این جهت گیری را نشان نمیدهد؟

آسگران: عقب نشینی ترامپ از کردستان سوریه و سرکوب خونین مردم و اپوزیسیون در کردستان ترکیه و سرگردانی و فقر مردم در کردستان عراق و تحولات اخیر کردستان سوریه و مذاکره اسد و نیروهای کرد در این منطقه هنوز پازل‌های یک تصویر عمومی تر هستند که اسمش بحران خاور میانه است. تغییر سیاست ترامپ فقط به کردستان سوریه هم محدود نیست. او با متحدین اروپائیش هم وارد یک رقابت محدود اما جدی شده است برای مثال از قرار داد پاریس در مورد محیط زیست که سیاست آمریکا بود بیرون رفت. همچنانکه از برجام که سیاست آمریکا بود خارج شد. در کردستان هم یکی از اولویتهای دوران اوپاما این بود که کردستان سوریه به آبهای آزاد وصل بشود تا بتواند تسلط روسیه بر اروپا در زمینه انرژی فسیلی را محدود کند. اما ترامپ خودش متهم به همکاری با روسیه است و پرونده اش باز است. معلوم است که ترامپ سیاستهای اوپاما را پیروی نمی‌کند و این پیروی نکردن ابعادی وسیع دارد چه در داخل و چه در خارج آمریکا. بنابر این اگر در کردستان سوریه و حتی عراق تغییر سیاست آمریکا را میببینیم باید در این چهارچوب به آن نگاه کرد. این جناح از بورژوازی آمریکا که ترامپ نماینده آن شده است به نظر من آینده و استراتژی سهل است حتی سیاست



آینده نگری کوتاه مدت هم ندارد. اینها امروز و فردا را میبینند و بدون افق دست به عمل سیاسی میزنند. قشر خاصی از بورژوازی سنتی را نمایندگی میکنند که شکستش قطعی است. بنا بر این وقتی می‌گویم سیاست این یا آن کشور یا سیاست آمریکا باید بدانیم از سیاست کدام طبقه و یا کدام قشر و کدام جنبش و سنت از آن طبقه حرف میزنیم.

ناگفته نماند آن بخش از اپوزیسیون ایرانی که سرنوشت خود را به سیاستهای ترامپ گره زده است آینده ای نخواهد داشت. زیرا آن قشر از بورژوازی آمریکا که ترامپ را به جلو سوق داده است آینده ای پیش رو ندارد. بعد از مدت کوتاهی این اپوزیسیون سرش به سنگ خواهد خورد. مجاهدین و رضا پهلوی و قومپرستان فدرال چی از این دسته جریانات هستند که چند سال دیگر باز به هم محاق خواهند رفت. اجازه بدهید همینجا یک بار دیگر تاکید کنم به نظر من نه تنها مجاهدین شانس در قدرت سیاسی آینده ایران ندارند رضا پهلوی هم تا وقتی که بند ناف خود را از سلطنت قطع نکرده است برخلاف تصورات محدود نگرانه شانس ندارد. اما جنبش ناسیونالیستی ایرانی به عنوان ایدئولوژی بورژوازی امروز ایران شانس دارد. همچنانکه کمونیسم شانس دارد.

KANAL DJADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

خودکشی ۴۲ کودک پرونده سنگین جنایت حکومت اسلامی است.



تضمین جلوگیری از خودکشی کودکان در گرو ایجاد جامعه ای انسانی و پیوستن به جنبش برای دگرگونی و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

ما مردم شهرهای کردستان و بویژه مدافعین حقوق کودکان را به دخالتگری بیشتر و برپایی سمینار و فستیوالهای کودکان دعوت و تشویق میکنیم. به هر درجه ای فضای مبارزاتی و دفاع از حقوق کودکان بر اساس معیارهای انسانی و سوسیالیستی بیشتر شود، شادی و حقوق کودکان مقدم بر هر چیزی در نظر گرفته شود، بر میزان کم شدن خودکشی و کودک آزاری تاثیر مستقیم دارد. در کردستان صدها نفر از مدافعین حقوق کودکان شخصیت‌های شناخته شده ای هستند، اقدامات ابتکاری مدافعین حقوق کودک گام مهم پیشروی به نفع کودکان است.

۱۴ ژانویه ۲۰۱۹

حجاب اجباری، ازدواج های زیر سن قانونی و... و... کودک آزاری در قوانین اسلامی و ساختار حکومتی نهادینه است.

در جامعه ای آزادی و با استانداردهای انسانی و بدور از حرص و ولع طبقه سرمایه دار و دولته و تامین زندگی کودک، پدیده خودکشی در میان کودکان را از بین می برد میزان خودکشی را میتوانیم با استانداردهای انسانی و بویژه با از بین بردن زندگی زیر خط فقر با رفاه و زندگی حداکثری مزد و رفاه کمتر و کمتر کرد و سایه شوم خودکشی این پدیده مخوف و ناسالم و هراسناک را از بین برد.

در جامعه ای که؛ حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود باشد. هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک (ازدواج) و جدایی (طلاق) ممنوع شود. کودکان و افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصونیت داشته باشند. ممنوعیت جلب و یا پیوستن کودکان زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع باشد. تعدد ازدواج و صیغه ممنوع باشد.

هر نوع معامله گری در ازدواج نظیر تعیین شیرینه، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط ازدواج ممنوع بشود. رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه تضمین شود. استانداردهای واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان، در بالاترین سطح ممکن، توسط دولت تضمین شود. بکودکان و نوجوانان باید کمک هزینه های لازم و ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و

صدها هزار از کودکان محروم از تحصیل به اردوی کودکان کار و خیابان اضافه میشوند. تحمیل محرومیت از تحصیل برای کودکان فاجعه بار است. بخشودنی نیست، کیفرخواست کارگران و مردم است علیه نظام بردگی سرمایه در ایران. نهادهای حکومتی میگویند؛ "پای حقوق کودکان در ایران لنگ می‌زند"، کیفرخواست ما عمیق و طبقاتی است ما میگوییم؛ حکومت اسلامی سرمایه با ساختار اسلامی و ظالمانه اش با قوانین ضد زن و با حجاب اجباری و آپارتاید جنسی با "قانونی" بودن ازدواج کودکان زیر سن ۱۶ سال، با استثمار کار کودکان زیر سن ۱۶ سال، با محرومیت میلیونی از تحصیل، با فقر مطلق به میلیونها نفر از کارگران و مزدبگیران جامعه، موقعیت کودک فاجعه بار است. ما میگوییم در جامعه ای که استثمار و بردگی مزدی با فساد و سرکوب و اعدام و تحمیل زندگی چند برابری زیر خط فقر با نظامی اسلامی و سرمایه داری وحشی زندگی مردم را بگرو گرفته، خودکشی کودکان حتی يك کودک فاجعه ای انسانی و بدور از حرمت و شان انسانی است. ما میگوییم؛ هیچ کودکی نباید تصمیم به خودکشی بگیرد.

در ایران تحت حاکمیت اسلامی سرمایه، کودک آزاری به موضوعی ناراحت کننده اجتماعی تبدیل شده است. کودک آزاری بیشتر از همیشه شده است. میزان آسیب های اجتماعی بیشتر و بیشتر شده. تجاوز و ازدواج های زیر سن ۱۶ سال، ازدواج های اجباری، کودکان خیابان و کودکان کار، اعتیاد و تن فروشی زندگی هزاران کودک را با بی افقی و ناامیدی و شرایط روحی - روانی نامناسبی قرار داده است.

حکومت اسلامی سرمایه مسبب شرایط فاجعه بار کودک آزاری است. مسبب خشونت جنسی،

نشان نودینیان

طبق آمار منتشر شده در سال گذشته میلادی ۲۰۱۸ خودکشی ۹۴ مرد و ۹۱ زن در شهرهای کردستان به ثبت رسید. از مجموع ۱۸۵ نفری خودکشی ثبت شده، جمعا ۴۱ نفر از آنها یعنی بیش از ۲۲٪ مورد از موارد خودکشی در کردستان کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) بوده‌اند. سنندج (۹مورد)، ارومیه (۱۷ مورد) ایلام (۸مورد)، کرمانشاه (۶مورد) و خراسان (۱مورد) به ثبت رسیده است. در شهرهای کردستان خودکشی با افزایش قابل توجهی گزارش شده است و در این میان گزارشها از افزایش خودکشی کودکان به ثبت رسیده‌اند.

پدیده خودکشی آزار دهنده و هراس برانگیز است. پدیده مخوف و بحال جامعه و سالم سازی مضر است. آمار بالای خودکشی کودکان زیر ۱۸ سال بیش از بیش هولناک است.

جمهوری اسلامی مقصر و بانی خودکشی است. مسئولیت خودکشی کودک زیر ۱۸ سال بهعهده نظام حاکم است. کودک امنیت زندگی، رفاه و برخوردار از دستیابی به محیط شیرین و تامین شده بلحاظ اقتصادی و رفاه و شادی و شرایط سالم پرورشی دارد.

خودکشی کودکان جنایت اشکار نظام حاکم با تمامی مصائب ستم طبقاتی، خشونت و نابسامانی اجتماعی است. خودکشی کودکان زیر ۱۸ سال قابل کنترل است. مریضی های روحی - روانی نا امنی زندگی کودک در محیط زندگی و فشارهای مالی (فقر و نداری) از عوامل درجه اول خودکشی هستند.

در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی سرمایه، هر ساله بیش از چهار میلیون کودک از حق تحصیل و رفتن به مدرسه محروم میشوند.

یک زندگی شاد، ایمن و خلاق
حق مسلم کودکان است!

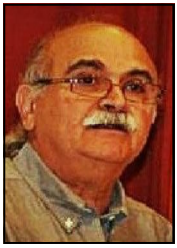
تحصیل رایگان
حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان

آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملا از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

۱۵/۱

علیه حکومت کشتار و شکنجه و تجاوز بمیدان بیائیم!



حمید تقوایی

علیه حکومت کشتار و شکنجه و تجاوز بمیدان بیائیم!

فاجعه دردناک و تکاندننده تجاوز به زهرا نوید پور و بقتل رساندن او نمونه ای از جنایات بیشماری است که هر روزه علیه هزاران زن در جمهوری اسلامی اعمال میشود. زهرا را کشتند چون فریاد اعتراضش را علیه تجاوزکنندگان بلند کرده بود. باید علیه این جنایت دهشتناک کل جامعه را بسیج کرد و به حرکت درآورد. کمپین "بگذار سخن بگویم" که مینا احدی در ادامه دادخواهی زهرا شروع کرده است میتواند آغاز یک جنبش گسترده علیه تجاوز به زنان و کلا علیه برخورد حکومت و قوانین و فرهنگ ارتجاعی اسلامی به زن بعنوان یک کالای جنسی باشد.

بگذار سخن بگویم شاخه ضد اسلامی جنبش "می تو" Me too! است که در کشورهای غربی علیه آزار جنسی زنان شکل گرفته است. اما "می تو" در جمهوری اسلامی نقد و اعتراض و جنبشی بسیار عمیق تر و ریشه ای تر و فراگیرتر را نمایندگی میکند. اعتراضی علیه یک نظام و حکومت تا مغز استخوان فاسد و زن ستیز!

در جمهوری اسلامی تجاوزگران مقامات و مسئولین حکومتی هستند، تجاوز یک شیوه رایج شکنجه در زندانها است، و قربانیانی که علیه تجاوز سخن بگویند و دادخواهی کنند بوسیله ایادی حکومت بقتل میرسند. اتفاقی حتی شبیه به جنایتی که در حق زهرا نوید پور روا شده در هر کشور غربی نمیتوانست استعفای دولت و به محاکمه کشیدن مقامات مسئول را بدنبال داشته باشد. اما در جمهوری اسلامی تجاوز میکنند، میکشند و در پست هایشان باقی میمانند! این حکومت جنایت را با وقاحت درهم آمیخته است. تجاوزکننده به زهرا نوید پور

یک مقام حکومتی به اسم سلمان خدادادی وکیل کنونی مجلس اسلامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، مدیرکل سابق اداره اطلاعات اردبیل و فرمانده اسبق سپاه شهرستان ملکان است. وی تجاوز به زنان متعددی را در پرونده خود دارد و بقتل رساندن زهرا را هم باید به این پرونده اضافه کرد. اگر زهرا همه زنان مورد تجاوز قرار گرفته را نمایندگی میکند خدادادی نماینده همه مقامات دولتی و حکومتی است: از مرتضی سربندی که قصد تجاوز به ریحانه جباری را داشت تا "سربازان گمنام امام زمان" که در سیاهچالهای رژیم به دختران باکره تجاوز میکنند تا مانع رفتن آنها به بهشت بشوند!

برای زهرا حظ و نشان کشیدند که اگر صدايت دريمايد "پودرت" ميكنيم و بالاخره او را كشتند. ریحانه جباری را هم به شیوه دیگری پودر کردند. و ترانه موسوی و زهرا کاظمی را هم همین طور. اینها فقط نمونه هائی از هزاران تجاوز و جنایتی است که در زندانها و خارج زندانها به زنان ایران اعمال میشود. این توحش سازمانیافته و نهادینه شده علیه زنان بر قوانین و فرهنگ و مقدسات اسلامی مبتنی است که به زن بعنوان کالای جنسی و ابزار لذتجویی مرد مینگرد. جزئی از فرهنگ و نگرش و سیاستی است که تجاوز به دختران نه ساله را ازدواج شرعی مینامد، به تن فروشی تحت عنوان صیغه مشروعیت میدهد و نظر و رای زن را در ازدواج و در طلاق برسمیت نمی شناسد. تجاوز در جمهوری اسلامی امری قانونی و دولتی و جزئی از فرهنگ حکومتی است. حجاب و آپارتاید جنسی و دیوار کشیدن بین زن و مرد نیز روی دیگر همین سکه برخورد به زن بعنوان کالای جنسی است.

تجاوز عریان مقامات حکومتی به زنان و ارباب و

کشتار قربانیان تجاوز مبتنی بر این نگرش و فرهنگ و قوانین اسلامی و یک شکل بروز هزاران تجاوز و سوء استفاده جنسی است که هر روزه به شکل شرعی و قانونی در جامعه صورت میگیرد. باید با تمام قوا در برابر این جنایت ایستاد. بر متن جنبش سرنگونی طلبانه ای که همه جامعه را در بر گرفته است و همبسته با جنبش علیه شکنجه و زندان و سرکوب که اسماعیل بخشی پرچم آنرا بر افراشته است میتوان و باید علیه تجاوز جنسی و در دفاع از حقوق و هویت و کرامت انسانی زنان نیز بمیدان آمد و جبهه تازه ای علیه رژیم شکنجه و تجاوز و کشتار گشود. باید زهرا نوید پورها را به سمبل جنبش "می تو" در ایران و در کشورهای اسلامزده تبدیل کرد و سلمان خدادادی ها را بعنوان مظهر زن ستیزی و جنایت جمهوری اسلامی و هم دولتها و نیروهای اسلامی رسوای خاص و عام کرد.

کارزار بگذار سخن بگویم گامی در این راستا است. این کارزاری است همدوش کارزار "من هم شکنجه شدم" و همبسته با حرکت گسترده ای که امروز علیه شکنجه و علیه حجاب اسلامی شکل گرفته است. بگذار سخن بگویم کارزاری است علیه تجاوز، علیه شکنجه، و علیه نگاه به زن بعنوان کالای جنسی. همه قربانیان تجاوز، همه فعالین جنبش رهائی زن و همه قربانیان شکنجه را به پیوستن به این کارزار فرا میخوانم.

۲۳ دیماه ۹۷

بگذار سخن بگویم!

از عمیق ترین دردها برجسم و روحم!
جنبش ME TOO در ایران ،
کمپین نه به تجاوز!

مینا احدی



بگذار سخن بگویم. با اعتماد بنفس و با متانت در مورد یکی از مهمترین مشکلات زنان در آن جامعه، این فراخوانی است برای گرامیداشت یاد زهرا نوید پور که شجاعانه علیه تجاوز افشاگری کرد و جانشر را در این راه از دست داد. زهرا مورد تجاوز سلمان خدادادی، مسئول امور اجتماعی مجلس اسلامی و نماینده ملکان در مجلس این حکومت قرار گرفت و سرانجام او را کشتند.

بگذار با پیگیری این پرونده و با دامن زدن به یک جنبش حرف زدن و بررسی و کنکاش در مورد تجاوز و با شعار نه به تجاوز، در عین حال به جنبشی پیوندیم که اکنون در ایران بر پا است جنبش علیه شکنجه! تجاوز مصداق بارز شکنجه است و حکومت در ایران، حکومت متجاوزین و مدافعین تجاوز به زنان و کودکان است.

بگذار با این کمپین یاد ریحانه جباری ها را گرامی بداریم که علیه تجاوز تسبیح به داستان اسلامی ایستاد و در نهایت حکومت تجاوزگران ، او را اعدام کرد.

زنان آزاده ایران بیاید دست به دست هم دهیم و این زخم عمیق را باز کرده و برای مداوای آن فکری بکنیم.

۲۱ دی ماه ۱۳۹۷

۱۱ ژانویه ۲۰۱۹



در اروپا و آمریکا و در غرب اگر سخنی از جنبش می تو ME TOO هست، برای مقابله با تعرض و تجاوز جنسی در محیط کار و خیابان و یا در خانواده است، در ایران اگر از می تو حرف بزنیم در مورد یک موضوع بسیار فراتر از اینها حرف میزنیم. ما در مورد کشوری حرف میزنیم که تجاوز جزو قوانین آن کشور است.

از ازدواج کودکان تا ازدواج اجباری، از قانون نفقه بگیر و تمکین کن، تا نگاه و نگرشی که به زن بعنوان یک وسیله جنسی نگاه میکنند و تجاوز و دست درازی و آزار جنسی زنان را حق خود میدانند.

ما در مورد میلیونها نفر حرف میزنیم که قربانی تعرض ، بی حرمتی جنسیتی و تجاوز شده اند و هیچگاه نتوانسته اند حرفهایشان را به کسی بگویند.

این یک فراخوان به شما زنان در ایران است، به شما که بارها و بارها ، وقتی برای یک کار اداری به ادارات دولتی مراجعه کرده اید، وقتی خواسته اید طلاق بگیرید و کار شما دست یک آخوند و یا مقام دولتی بوده، از آنها با وقاحت شنیده اید، در صورتی کارت را راه می اندازم که با من رابطه داشته باشی، این فراخوانی است به دختران جوانی که در دانشگاهها از طرف مسئولین حکومتی و دست اندرکاران مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند، این فراخوانی است به زنانی که بر خلاف میل خود با همسر و یا پارتنر خود ، همبستر شده اند و تجاوز در چهارچوب خانواده اتفاق افتاده است.. این فراخوانی است برای قی کردن ، هزاران درد و زخم ناشی از تجاوز در زوایای پنهان آن جامعه .

در جمهوری اسلامی تجاوزگران مقامات و مسئولین حکومتی هستند، تجاوز یک شیوه رایج شکنجه در زندانها است، و قربانیانی که علیه تجاوز سخن بگویند و دادخواهی کنند بوسیله ایادی حکومت بقتل میرسند.

نگاه هفته : مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نویدیان

**نامه سرگشاده خانواده
بهنام ابراهیم زاده خطاب به
همه مردم شریف و آزاده
بهنام مجرم نیست.
بهنام مدافع حقوق انسانهاست!**



همگان اطلاع دارید که بهنام (اسعد) ابراهیم زاده در شب ۲۱ آذر دستگیر شده است. بهنام یک فعال کارگری و یک فعال دفاع از حقوق کودک است. او همیشه مدافع حقوق انسانها بوده است و به خاطر دفاع از همین اهداف قبلا نیز هفت سال را در زندان گذرانده است. بهنام بعد از آزادی نیز همین اهداف را ادامه داده و همواره مشغول کمک به هممنوعان و کودکان زلزله زده کرمانشاه و سرپل بوده است. بهنام عزیز ما در تاریخ ۲۹ آبان در دادگاهی غیبی در کرمانشاه با اتهام "تبلیغ علیه نظام" ۱۸ ماه حکم زندان گرفته است. مصادیق این اتهام انتشار اخبار مربوط به وضعیت نابسامان مردم زلزله زده سرپل ذهاب و وضع فجیع کودکان در این منطقه قید شده است. ما خانواده بهنام ابراهیم زاده از همگان می خواهیم که در دفاع از بهنام کنار ما باشند و به محکوم

کردن او به زندان و دستگیری اش اعتراض .کنند. ما از همگان می خواهیم که کمک کنند که بهنام را آزاد کنیم. بهنام مجرم نیست. بهنام مدافع انسانیت است. جای بهنام زندان نیست. بهنام باید فوراً آزاد شود

رحمان ابراهیم زاده (پدر)، عایشه مدرسی (مادر)، زبیده حاجی زاده (همسر) موسی ابراهیم زاده، عیسی ابراهیم زاده، چیمین ملایی پریزاد خسروی، اوات ابراهیم زاده و نیما ابراهیم زاده.

۲۲ آذر ۹۷

۱۳ دسامبر ۲۰۱۸

سرپل ذهاب و کودکان زلزله زده



ماهم لباس می خواهیم . ما هم دوست داریم بازی کنیم واسباب بازی می خواهیم ولی اینجا همش زلزله میاد

دیماه ۹۷

عزت نصری از زندان آزاد شد

عزت نصری کارگر زندانی، یکشنبه مورخ ۲۳/۱۰/۹۷ با

سپری کردن احکام صادره از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان سقز، از زندان مرکزی آزاد شد.

قابل ذکر است که تعدادی از دوستان، کارگران و خانواده این کارگر زندانی از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۲ بعدازظهر در مقابل زندان مرکزی تجمع کردند و به گرمی از این کارگر زندانی استقبال کردند.

تاریخ ۲۳/۱۰/۹۷

محکومیت ۷ نفر از ساکنین شهر ریط و روستای جبرند

۱۸ دیماه، دادگاه حکومت اسلامی ۷ نفر از ساکنین شهر ریط و روستای جبرند را با اتهامات واهی همکاری با احزاب سیاسی به یکسال و نیم و ۵ سال زندان محکوم کرده است.

از شهرسردشت "رسول محمدمامینی" "جعفر رسول پور"، "بهمن دندانساز"، "محمد لیلاته"، "محمد سوپرو" هرکدام به یک سال و نیم زندان و "محمد" و "وفا" از اهالی روستای جبرند هرکدام به پنج سال زندان محکوم شدند.

نیروهای نظامی حکومت اسلامی در مرز نوسود بخش چشمگیری از اجناس کولبران و کاسبکاران را ضبط و سپس به آتش کشیدند.

هفدهم دی ماه، بخش چشمگیری از اجناس کولبران و کاسبکار در مرز نوسود توسط نظامیان حکومتی ضبط و به آتش کشیده شد. با به آتش کشیدن اجناس کولبران و کاسبکاران دستگیر شده متحمل خسارات مالی فراوانی شده اند.

۱۷ دی ماه، "هیدی فقه محمودی کولبر" ۲۵ ساله اهل روستای

"کوشکده" از توابع مهاباد بر اثر سقوط از ارتفاعات "بیتوش" سردشت جان سپرد.

سه کولبر در مرزهای ارومیه و باناه مورد حمله و شلیک نیروهای حکومت اسلامی قرار گرفتند.



عقيل ابراهيمی ۲۶ ساله، از اهالی مرگور ارومیه در حالی که راهی ارتفاعات مرزی چل مرشهبندان بوده، در جریان تیراندازی نیروهای مرزبانی حکومت اسلامی از ناحیه پا زخمی شده است.

در مرز بانه؛ ۲۰ دی ماه هدایت محمدی ۳۵ ساله از اهالی بخش آرموده و ساکن شهر بانه و چهارشنبه ۱۹ دی ماه «حسن رسولی» ۴۰ ساله در منطقه مرزی بانه هدف تیراندازی قرار گرفته و زخمی شده اند.

انتقال سحر کاظمی به زندان سنندج



سحر کاظمی، شهروند بازداشتی در سنندج به زندان این شهر منتقل شده و مادح فتحی، همسر وی همچنان در بازداشتگاه اداره اطلاعات تحت بازجویی است. این در حالی است که هیچ کدام از این دو نفر تاکنون نتوانسته اند با

خانواده های خود ارتباط برقرار کنند و از دسترسی به وکیل هم محروم هستند. "مادح فتحی" در سنندج دستگیر و از زمان بازداشت، تاکنون در بازداشتگاه اداره اطلاعات در این شهر تحت بازجویی است و همسر وی "سحر کاظمی" به بند زنان زندان سنندج منتقل شده است. انتقال سحر کاظمی به زندان سنندج و تداوم بازداشت مادح فتحی در حالی است، که تاکنون از دلیل بازداشت آنها اطلاع دقیقی به دست نیامده است ۱۸ دی

ما هم شکنجه شدیم

ما کارگران اعتصابی پریس سنندج دسته جمعی مورد ضرب و شتم و آزار قرار گرفتیم.

ساعت يك بعدازظهر روز چهارشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۸۵، سه دستگاه اتوبوس و صدها نفر از نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی، با تجهیزات ضد شورش تمام محوطه اعتصاب (چادر اعتصاب) را به محاصره خود در آوردند و کارگران اعتصابی پریس را ضرب و شتم کردند. در روزهای بعد و به دنبال انعکاس خبر سرکوب کارگران پریس سنندج، در داخل و خارج از کشور و محکومیت آن از سوی مجامع کارگری، فرمانده نیروی انتظامی کردستان منکر برخورد خشونت آمیز با کارگران شد. رئیس اداره کار سنندج هم در مصاحبه ای با روزنامه محلی "سپروان"، مدعی شد که سرکوب کارگران شایعه ای بوده که توسط یکی از نمایندگان کارگران انتشار یافته است.

قدردانی از رفیق سلیمان سیگارچی

رفیق سلیمان سیگارچی عزیز با درود گرم هیئت اجرایی کمیته کردستان حزب، از تلاش و زحمات چندین ساله شما بعنوان مسئول سایت ایسکرا (سایت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران) صمیمانه قدردانی میکند. ادامه کاری این سایت با زحمات صمیمانه شما امکان پذیر شد.

همینجا به بینندگان گرامی و عزیز سایت کمیته کردستان اعلام میکنیم، رفیق سامرند کاکه ره ش مسئول جدید سایت ایسکرا میباشند.

هیئت اجرایی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۲۵ دی ۹۷

۱۵ ژانویه ۲۰۱۹

**کارگر، معلم،
پرستار، بازنشسته،
دانشجو
اتحاد، اتحاد**



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی



انتقال سحر کاظمی به زندان سنندج کاظمی

سحر کاظمی، شهروند بازداشتی در سنندج به زندان این شهر منتقل شده و مباح فتحی همسروی همچنان در بازداشتگاه اداره اطلاعات تحت بازجویی است.

این در حالی است که هیچ کدام از این دو شهروند تاکنون نتوانسته‌اند با خانواده‌های خود ارتباط برقرار کنند و از دسترسی به وکیل هم محروم هستند.

“مباح فتحی” شهروند بازداشت شده در سنندج از زمان بازداشت تاکنون در بازداشتگاه اداره اطلاعات در این شهر تحت بازجویی است و همسروی “سحر کاظمی” به بند زنان زندان سنندج منتقل شده است. انتقال سحر کاظمی به زندان سنندج و تداوم بازداشت مباح فتحی در حالی است، که تاکنون از دلیل بازداشت این دو شهروند اطلاع دقیقی به دست نیامده است.

خودکشی زن ۲۸ ساله در اشنویه

ظهر روز یکشنبه زنی ۲۸ ساله در اشنویه دست به خودکشی زد. براساس گزارش دریافتی اکیپ امداد و نجات موفق به احیای قلبی وی شده و جهت مداوای بیشتر به ارومیه اعزام شد. افسردگی شدید دلیل اقدام به خودکشی این زن جوان اعلام شده است.

عسل محمدی

برای رفقای روزهای سخت؛ سپیده قلیان و اسماعیل بخشی که فریاد آزادی خواهی و برابری طلبیشان خاموش شدنی نیست. برخورد امنیتی با کارگران و فعالان کارگری توسط حاکمیت مدافع صاحبان سرمایه دور از ذهن نبود.

قرن‌هاست که مشت آهنین سرکوب همان‌جایی ست که صدای حق طلبی طنین‌انداز میشود، چراکه تداوم استثمار در گرو قلع و قمع و منکوب کردن هر آن کسی ست که رویای برابری در سر دارد. رشادت کارگران هفت‌تیپه در جهت احقاق

احتمالا اینها فقط گوشه‌هایی از آنچه بود که بر رفقایم گذشت و من با چشمان بسته شاهد آن بودم اما یقین دارم حالا که جز زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم این گردنکشی‌ها قدمی ما را به عقب نمی‌راند. چرا که ما عاشقان مست دل از دست داده‌ایم.

اطلاعیه شماره ۱

کمپین بگذار سخن بگویم دو زن دیگر اعلام کردند که سلمان خدادادی به آنها نیز تجاوز کرده است.

زهره نوید پور ۲۸ ساله، بعد از تجاوز سلمان خدادادی به او، به افشاکاری در این مورد پرداخت و به قتل رسید. زهره بارها از طرف متهم به تجاوز، تهدید به قتل شده بود. همچنین زهره بارها به مقامات حکومت اسلامی مراجعه و علیه متهم شکایت کرده بود و همواره پاسخ منفی گرفته بود. قتل زهره نوید پور و دفن شبانه پیکر او، بدون کالبد شکافی و اعلام فوری اینکه زهره خودکشی کرده، سناریو را تکمیل کرد. ما در اینجا می‌توانیم در ایران مواجه هستیم. حکومتی که تجاوز به زن جزو قوانین آن است و مقامات این حکومت بارها و بارها به زنانی که بدلیل اداری و یا مشکلات به آنها مراجعه کرده‌اند، تجاوز کرده و پرونده‌ها را به کمک هم‌دیگر پرده پوشی کرده‌اند.

اکنون و بعد از سر و صدای زیاد در مورد پرونده زهره دو زن دیگر با مراجعه به هانا گفته‌اند که آنها نیز درست شبیه به زهره در همان دفتر کار سلمان خدادادی مورد تجاوز قرار گرفته و درست بهمان شیوه، خدادادی آنها را تهدید کرده است.

قربانیان که این نماینده مجلس را به سواستفاده از موقعیت و تجاوز متهم می‌کنند پس از مدتی که مدعی هستند از ترس “جان، امنیت و آبرو” سکوت کرده بودند در مقام استیفای حقوق خود برآمدند و اکنون لب به سخن گشوده‌اند. یکی از این زنان به هانا گفته:

“پس از این حادثه، روزها، ماهها و سالهای بعد با من با عناوین و بهانه‌های مختلفی تماس گرفتند و حداقل یکبار دیگر به بهانه‌های واهی من را به منزل مسکونی خود در شهر پرواز تبریز کشاندند و مجدداً تجاوز کردند.” این دختر که مدعی است قربانی

سواستفاده این نماینده مجلس از جایگاهش شده می‌گوید پس از یک دوره طولانی تهدید و تطمیع این نماینده نهایتاً “به او زنگ زد و گفتم دیگر شغل نمی‌خواهم فقط دست از سرم بردارد وگرنه می‌روم شکایت می‌کنم. اما در جواب گفت هیچ غلطی نمی‌توانی بکنی و تلفن را قطع کرد. مدتی گذشت اما باز هم تماس گرفت و این بار می‌گفت مرا دوست دارد و می‌خواهد با من صحبت کند. اما نپذیرفتم و نرفتم. حتی پیام‌های تهدیدآمیز برایم ارسال می‌کرد که اگر نروم بلاپی سرم می‌آورد ولی نرفتم و از ترس جانم مدام محل سکونتم را تغییر می‌دادم.”

زن مدعی است اقدامات این نماینده مجلس قربانیانی بیش از یک مورد دارد او یادآوری می‌کند “مدتی بعد بود در جمعی از دوستانم نشسته بودم و از یکی از دوستانم شنیدم که گفت خدادادی به او وعده کار داده و بعد هم به او تجاوز کرده و طی این مدت بارها خواسته دست به خودکشی بزند. آنجا بود که فهمیدم فقط پای من در میان نبوده است. مدتی پرس و جو کردیم و در نهایت متوجه شدیم چند نفر دیگر هم هستند که چنین بلایی سرشان آمده است. اما هیچ‌کدام از ترس جانشان حاضر نشدند جایی شکایت کنند.”

کمپین بگذار سخن بگویم از همه زنانی که مورد تعرض و تجاوز از سوی مقامات رژیم و یا هر فرد دیگری قرار گرفته‌اند دعوت میکند به این حرکت بپیوندند!

کمپین بگذار سخن بگویم!

۲۴ دی ماه ۱۳۹۷ / ۱۴

ژانویه ۲۰۱۹

بر گرفته از صفحه مینا احدی

لیلا میرغفاری: من هم شکنجه شدم نه به خشونت علیه زنان

آقای منتظری دادستان تهران می‌خواهم رنج نامه مرا بخوانید در جواب مصاحبه شما در اخبار تلویزیون داخلی و میلی که در برابر خبر نگار و دوربین گفتید آقای اسماعیل بخشی اهداف سیاسی داشته و با جاهایی در ارتباط بوده و برای سرپوش گذاشتن بر جرایمش موضوع شکنجه را مطرح کرده. حال من به شما به عنوان يك فعال حوزه زنان و یکی از دختران جنبش خیابان

انقلاب پاسخ میدهم که انکار شما کاملاً با اهداف سیاسی میباید چرا که من خودم بارها مورد شکنجه قرار گرفته‌ام که به دومورد آن اشاره میکنم.

از چندین تجربه تلخ شکنجه شدنم زمانی که پای من در حمایت از جنبش دختران خیابان انقلاب شکست آن هم در يك اعتراض مسالمت آمیز مدنی بی صدا و جنجال و خشونت زمانی که نیروهای امنیتی منو با پای شکسته از بیمارستان به بازداشتگاه منتقل کردن با پای گچ گرفته به من عصا برانکار و ویلچر ندادن و منو مجبور کردن تمام مسیر پیاده شدن از ماشین تا بازداشتگاه و نزدیک به بیست پله را بدون کمک و با یک پا به

حالت لی لی و پرش برم که هر پریدن چقدر درد در پاها و جانم ایجاد میکرد وقتی با نفسی بریده به پایین پله‌های بازداشتگاه وزرا رسیدم مرا مجبور کردن لخت مادر زاد بشوم و حتی لباس‌های زیرم را در آورم و خصوصی‌ترین جاهای بدنم بازرسی شد. من گریه میکردم که اینکار را نکنید درست نیست نگاه نکنید. آیا این شکنجه نیست؟ آیا زمانی که من در دادگاه ویژه روحانیت در خیابان زعفرانیه تهران با ضرب شتم و خشونت توسط حفاظت آن دادگاه بازداشت شدم از شدت ضرب شتم و آسیب بدنم کبود و لباسم خونی نشد که خود ماموران نواحی آسیب دیده را دیدن و گزارش نوشتن و آیا بعد از آن بی جرم گناه تقصیر به بیمارستان روانی روزیبه منتقل شدم و يك ماه و سه روز آنجا حبس شدم.

جناب آقای منتظری عالیجناب عباپوش بفرمایید آیا این بازداشت‌های همراه با خشونت شکنجه نیست؟ طبق اصل سی و نه قانون اساسی هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر و بازداشت شده زندانی یا تبعید ممنوع و موجب مجازات است. بفرمایید من برای خشونتی کدام يك از عالیجنابان نظام ولایی و اسلامی آزار و شکنجه شدم و برای کدام اهداف سیاسی من باید چنین تجربیات سخت و تلخی به عنوان يك زن جوان داشته باشم. #من_هم_شکنجه_شدم #نه_به_خشونت_علیه_زنان برگرفته از اینستاگرام لیلا میرغفاری.

راز شکست حکومت در مقابل اسماعیل بخشی چیست؟



اصغر کریمی

از مجلس تا قوه قضاییه و دولت و دادستان و دادگستری تا رسانه های حکومتی و سرایان بدنام امام زمان و اصلاح طلب و اصولگرا یعنی يك لشکر کامل در مقابل اسماعیل بخشی بسیج شدند و همه امکانات نظام به کار افتاد تا او را در افکار عمومی شکست دهند، اما جنگ را باختند. مردم در ابعادی میلیونی معنی واقعی سیستم قضایی اسلامی را عمیق تر تجربه کردند، نیروی خود را بیشتر باور کردند و تجارب سیاسی بالایی در این جنگ بدست آوردند.

اسماعیل بخشی از وزیر اطلاعات خواسته بود در يك مناظره تلویزیونی شرکت کند و جواب شکنجه را بدهد. وزیر جرات نکرد این تقاضا را قبول کند. سران قوای سه گانه حکومت مدعی شدند که بررسی میکنند. بررسی را به خود وزارت اطلاعات و دادستان که مورد اتهامند سپردند و آنها هم ادعا کردند که شکنجه ای در کار نبوده است. قبل از اعلام این مساله تهدیدهای وسیعی را علیه بخشی شروع کردند و به او فشار آوردند بلکه شکایتش را پس بگیرد. دولت گفت وزارت اطلاعات شکایت کند. قوه قضاییه گفت اگر ادعای بخشی ثابت نشود شکایت میکنیم. اطلاعاتی های رسوای امام زمان شروع به تهدیدهای تلفنی کردند. رئیس کمیسیون امنیت او را

منتسب به حزب کمونیست کارگری کرد و پرونده دیگری برایش باز کرد. دادستان کل کشور گفت شکنجه نشده و اهداف سیاسی داشته است. فراکسیون امیدشان هم به پیروی از وزارت اطلاعات و قوه قضاییه گفت شکنجه ای در کار نبوده است. هیئت به خوزستان فرستادند و ادعا کردند که تحقیق کامل کردیم اما به تنها کسی که مراجعه نکردند خود شاکی و شاهدان شکنجه بود. رسانه هایشان را هم به خدمت گرفتند تا یکطرفه آنچه ارگان های حکومتی میگویند را تکرار کنند و حسین شریعتمداری جرثومه کل کثافت حکومت اسلامی، در حالیکه به قوای سه گانه توپید، بخشی را مجرم خواند.

حکومت اما در این جنگ نابرابر يك مشکل اساسی داشت و آن اینکه مردم قبول نکردند و حکومت را محکوم کردند و زبونی حکومت را آشکارتر کردند. سناریوهای وزارت اطلاعات و مجلس و قوه قضاییه زیادی ناشیانه و آمانور بود. حتی يك نفر هم قانع نشد. الان دسته دسته شاکیان شکنجه دارند کیفرخواستشان را علیه شکنجه و حکومت شکنجه اعلام میکنند. از نظر همه مردم جمهوری اسلامی در این جنگ شکست خورد. شکست سختی هم خورد. چون مردم رژیم را با گوشت و پوست میشناسند. چهل سال تاریخ حکومت را، سال به سال و لحظه به لحظه اش را میدانند. چون

هزاران هزار شاکی زندان کشیده و شکنجه شده زنده اند و در میان مردمند و خاوران هایش خار چشم حکومت است. چون قوانین قصاصش مبنی بر بیرحمانه ترین نوع شکنجه از سنگسار و اعدام تا چشم درآوردن و اسید در چشم ریختن و دست قطع کردن است. چون رفتار او با شاکیان شکنجه پذیر است. دیده اند، رفتارشان با زندانیان را دیده اند، با کودکان کار و بازنشسته ها را دیده اند، با کارگران آق دره را دیده اند، کهریزک و بند ۲۰۹ را میشناسند، تجاوز به دخترچه های ده دوازده ساله تحت عنوان ازدواج را خبر دارند، از تجاوز به دختران باکره و غیر باکره در زندان ها اطلاع کامل دارند. یعنی مردم با رژیمی سر و کار دارند که از قوانینش تا ارگان های بدون شکنجه مطلقا معنی ندارند. اینها دو سه نسل مردم از ۵۷ تا الان خوانده اند و شنیده اند و یا خود تجربه کرده اند. حتی در قانون اساسی شان حاضر نشده اند بنویسند شکنجه زندانی به هر دلیل ممنوع است. به خود زحمت داده اند نوشته اند شکنجه فقط برای اعتراف ممنوع است. بعنوان مجازات یا در راه زندان یا بازداشتگاه های موقت آزاد است. اما همین هم در طول این چهل سال هیچگاه رعایت نشده است.

اما این شکست حاصل يك توازن قوای جالب است. پشت این شکست شش هزار کارگر هفت تپه و خانواده های آنها و مردم شوش و چهارهزار کارگر فولاد و مردم اهواز قرار دارند. پشت این شکست جوانان دیمه ۹۶ اند. صدها هزار کارگراعتصابی اند. مردم کردستان با اعتصاب سیاسی شان هستند، رانندگان و معلمان و بازنشستگان با اعتصابات و تجمعات قدرتمند و سراسری هستند. دختران انقلاب و میلیون ها زن شجاع و شاکی هستند. خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی اند. شکست

حکومت شکست در مقابل يك لشکر دهها میلیونی شاکیان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است که در کنار اسماعیل بخشی قرار گرفتند و به او نیرو دادند و نگاهاشتند رژیمی چنین بی آبرو و فاسد و جنایتکار در این جنگ برنده شود.

حال که رژیم به این حال و روز افتاده باید جنگ را ادامه داد تا حکومت دست از تهدید اسماعیل بخشی و خانواده اش بردارد و اعلام کند اسماعیل بخشی و کارگران دیگری که در هفت تپه و فولاد و سایر مراکز کارگری برایشان پرونده ساخته اند، از هر اتهامی میرا هستند و از حق بی قید و شرط اعتصاب و اعتراض و تشکل برخوردارند. باید جنگ با حکومت را ادامه داد تا آمران و عاملان شکنجه بخشی و قلبان و سایر فعالین سیاسی و اجتماعی به جامعه معرفی و محاکمه شوند، قوانین شکنجه و قصاص تماما برچیده شود و هیچ ارگانی دیگر جرات نکند حتی يك نفر را بخاطر اعتراض به جهمی که این نظام به مردم تحمیل کرده است، مورد اذیت و آزار قرار دهد.

۲۵ دی ۱۳۹۷

سپیده قلیان: حاضر در یک دادگاه عادلانه

در مورد خودم و برادرم اسماعیل بخشی و شکنجه هایی که شدیم شهادت بدهم

خلاصه می شد. وارد کردن اتهامات جنسی، در جایی که قطعاً حتی اگر فریاد می زد صدایم به جایی نمی رسید، دردناکترین قسمت ماجرا بود. روز آخر بازجو می گفت اگر بیرون بروی و دهانت را باز کنی همین ادعاها و اعترافات اجباری تو و اسماعیل بخشی را را در اخبار بیست و سی هم پخش خواهیم کرد. و پودرتان خواهیم کرد. بله خداوندگاران قدرت اگر من نمیدانستم که شما میتوانی ما را پودر کنید که روی این صندلی نشسته نبودم. من حتی در مورد رنگ مو و مدل

ده روز نه میتوانستم غذا بخورم، نه میدانستم شب است یا روز؟ فریاد میکشیدم، تا اینکه از بی قراری ها و فریادهایم عاصی شدند و نزدیک اتاق بازجویی اش بردند و صدای زخمی اش را شنیدیم. برادرم اسماعیل زنده بود. روزهای اول، چه حین دستگیری و چه در بازداشتگاه با ضرب و شتم همراه بود. سایه ای کابل بالای سرم بود تا اعتراف بنویسم. به همین دلیل بود که بی آنکه حرفی از شکنجه با خانواده ام زده باشم متوجه غیرطبیعی بودن وضعیت ام شدند. و ای کاش و صد ای کاش شکنجه به همان ضرب و شتم

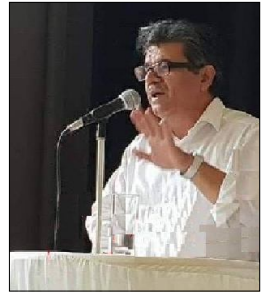
ضدبشری هنوز هم می تواند چشم هایم را خیس کند و تنم را بلرزاند. حین دستگیری، اسماعیل بخشی سعی میکرد مرا از زیر ضرب و شتم ماموران بیرون بکشد اما خودش را چنان به باد کتک گرفتند که بیهوش شد. شکنجه ای اسماعیل بخشی از زمان بازداشت در فرماندهی حفاظت اطلاعات، تا پلیس امنیت (که فریاد میزد من یک کارگرم دنده هایم را شکستی) و زمان انتقالمان از شوش به بازداشتگاه اطلاعات اهواز چنان شدید بود، که من ده روز نخست بازداشتم تصور میکردم برادرم مرده است.

اسماعیل بخشی و من در مورد شکنجه توهم است به بررسی شان پایان دادند. پس تصمیم گرفتم توضیحاتم را دیگر نه به ماموران، که رو به مردم شرح دهم.

گفتن از شکنجه، فقط توضیح يك درد شخصی نیست بلکه بازگو کردن خشونت سیستماتیک است که نهادهای امنیتی در قبال زندانیان به خرج می دهند و انکار یا تقلیل آن به اشتباه يك بازجو توجیهی خنده آور و البته دردی مضاعف است. یادآوری سی روز رفتار وحشیانه و



سلام به همگی
دوشنبه که برای چندمین بار به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار شده بودم دو نفر که خود را مامور "بررسی" معرفی می کردند، ابتدا از من در مورد آنچه در سی روز بازداشت اتفاق افتاد سوال کردند و پس از توضیحاتم با گفتن اینکه بحثهای



فکر کنم سال ۲۰۱۱ میلادی بود
مراسمی به یاد زندانیان سیاسی دهه شصت! / کلن
توسط افراد چپ ساکن شهر کلن تدارک شده بود

من نیز به عنوان زندانی سیاسی دهه ۶۰ به این مراسم دعوت شد بودم و قرار بود به یاد عزیزان از دست رفته ای که توسط جمهوری اسلامی بصورت فلابی اعدام یا زیر شکنجه جان باخته بودند چند قطعه از سرودهای خود را بخوانم، اما در مراسم یادبود نظم عوض شد و با یاد از دختری نام و نشان و بدون تصویری که در مغز حک شده بود یادکردم! که توجه شما را به آن جلب می کنم.

شب از نیمه گذشته بود

سخنرانی در مراسم یادبود اعدامهای دهه شصت/شهر کلن!

با شنیدن صدای باز شدن در از جابم بلند شدم، در حالی که فکر آشفته و پریشانی داشتم: «این موقع شب! نیمه های شب بود، نه! شب از نیمه گذشته بود». حامد و ابرم هر دو یکصدا گفتند: بلندشو! حامد قفل و کلید در دست داشت و ابرم چشم بند سیاه، با چشموهای خواب آلود بلند شدم. ابرم باند سیاهی را که در دست داشت و با عجله چشمهای مرا با آن بست و به راه افتادیم.

بعد از یازده ماه در زندان انفرادی که هیچ وقت مرا در این وقت شب صدا نکرده بودند، برایم جای سوال بود. حالت عجیبی داشتم، نوعی ترس وجودم را فرا گرفته بود، «این وقت شب مرا به کجا می برند؟ چرا اینوقت شب؟ آن هم با چشم بسته»

باچشمهای بسته به آرامی اما با شك و تردید قدم بر میداشتم، در

شب از نیمه گذشته بود سخنرانی در مراسم یادبود اعدامهای دهه شصت/شهر کلن!

شمی صلواتی

تمام وجودم آشکارا ترس را می شد دید، فکرم پریشان و سوالات متفاوتی هر لحظه در ذهنم جای می گرفت. من هم خاموش و آرام، مثل یک مرده متحرک بودم، یک جنازه که آرام آرام در حال جان کنندن است. به چی باید می اندیشیدم! جوانی تنومند روستایی که قبل از زندان با نگاهی پر شرم به دخترهمسایه، رویاهای خود را می ساخت، اینک ناتوان با جسم و روحی خسته در اسارت، تصویر مرگ را در ذهنش حک می کند.

کجا این وقت شب! پاسخی گنگ و نا روشن در ذهنم رخنه کرد! ترس عجیبی وجودم را فرا گرفته بود که از پنهان کردن آن مایوس شده بودم. چون چند شب پیش مهندس کمال رحیمی و چند تن دیگر که یکی از شاگردان هرمز گرجی بیانی در میان آنان بود اعدام شده بودند. در میان اعدام شده گان کسانی دیده می شدند که فقط یک اعلامیه را خوانده و یا پخش کرده بودند.

بدون اینکه اطلاع داشته باشم باید از چند پله می گذشتم، برای لحظه ای ناگهان پا در هوا ماندم و افتادم، باران توهین توسط سلمان شروع به بارش کرد، سلمان که آنجا نبود این وقت شب از کجا پیدایش شد؟ چند لگد حواله ام کرد، به سختی توانستم سر پا بایستام، تمام بدنم درد گرفت در همه جای بدنم احساس درد می کردم، ولی ترس دیگر در وجودم نبود، نمی دانم چند پله بود اما حدس میزنم بیش از سه یا چهار پله نبود و من همانطور ندانسته قدم برمی داشتم که ناگهان زیر پای خالی بود و افتادم.

به راه رفتن ادامه دادیم چپ و راست من دو مامور بود و عاقبت به در حمام رسیدیم. ابرم چشمبندم را باز کرد، یک صابون و یک حوله به من داد و گفت: «سعی کن خودت را تمیز بشوری» با گفتن این جمله و نگاهی توأم با تاسف مرا با این فکر روبرو ساخت که: «قربانی امشب منم»، و تشویش باعث شد که زیر دوش برای یکی دو دقیقه زانم متورم شود بطوریکه برای نفس کشیدن باید از دو دستم برای باز

نگهداشتن دهانم استفاده می کردم لحظه سختی بود و بسیار درد آور. بعد از نیم ساعت، شستن بدنی که در طول یازده ماه آب به خودش ندیده کار ساده ای نبود، اما سوالی که به ذهنم رسید این بود اگر مرا بکشند وجسدم تمیز نباشد چی؟! و اگر مردم مرا ببیند که تمیز نیستم چه خواهند گفت.

حمام تمام شده بود، دوباره با چشم بند سیاه چشمم را بستند، اما احساس کردم که میسر طولانی تر شده و در آن موقع با خودم فکر می کردم شاید زندگی من همینه لو سهم من از این دنیا هم همین بود. سوالات دیگری در ذهنم نقش می بست چطور مرا خواهند کشت؟

باگلوله یا طناب؟ کدام راحت تر است نمی دانم اگر طناب بود نباید آبروی خودم را ببرم. چون طناب به گردن سخت تر است. قبلا از یک مرد شنیده بودم وقتی که کسی را با طناب اعدام می کنند چشمها بیرون میزند و بعد از آن آدم حالت عجیبی دارد. امیدوارم اعدام من، با گلوله باشد سوالات و ترس و فکرهای احمقانه مرابه دنیای خیالی و غیر واقعی و دور از خودم برده بود، اما چند دقیقه طول نکشید که مرا به انفرادی (سلول) بردند و خیالم راحت شد.

سلول (انفرادی) جدید چندان فرقی با سلول قبلی نداشت، من همچنان در این سلول هم نگاهم را به شپشهای بزرگ که جست و چلاک از دیوار صاف بالا می رفتند، دوخته بودم و بعد نگاهم به کف سلول افتاد، که استفراغ زندانی قبلی، تصویری از حقایق درد و رنج او بود که نمایان بود. همچنان نگاهم می چرخید چرا؟ و به کجا نمی دانم! دیگه به این زندگی عادت کرده بودم و همه چیز به نظر عادی می آمد، واقعا تلاشی برای بقا در خود احساس نمی کردم، اما نگاهم مادام در حال چرخیدن بود و شپشها به طور دسته جمعی در حال لشکر کشی بودند انگار آنها هم می خواستند قدرت خود را به رخم بکشند.

مشغول تماشای شپشی گنده تر که جلو بود و بقیه به دنبال آن، بودم.

دلیل به دنبال هر اسمی که نسرین بود گشتم، چه اسم قشنگی! نسرین زیباترین اسم آن سالها حالا کجاست.

عاشقانه به دنبال نسرینی که هرگز ندیدم گشتم تا اینکه به هزاران نسرین رسیدم. باغ بزرگ خاوران پر از گلهایی چون نسرین بود. خیابان هرجا که اعتراضی بود پیش قراولانش نسرین ها بود و امروز هم در همینجا در همین جلسه نسرینهایی هستند از همان جنس و از همان گل که زیبا ترین زیباییها با نشان از باغهای رویایی آنجا که یک برابر است با یک.

حقیقتاً تنها زنده گانند که صدایشان آشنا است و تنها زنده گانند که همچون حلاج سر بر دارند. چرا که هویدای اسرارند و نامش رمز زندگی است!

هر روزم یک واژه بود آنهم واژه های زندگی

روز گاران به غم گذشت، و من ماندم با ناکامیها!

اینگونه پیمان بستم با واژه ها در فراز و نشیب زندگی

رویای خوشبختی را از قلم نیاندازم تا رسیدن به رهایی

به حزب کمونیست کارگری پیوندید! شما هم فعالان دست در دست کسانی بگذارید که میخواهند دنیای بهتری پایه ریزی کنند.

آدرسهای تماس با حزب:
شماره تماس از طریق واتس آپ و ایمو
0044743562462
تلگرام: <https://t.me/wpisazmaneh>
ایمیل: committee.sazmandeh.wpi@gmail.com

اطلاعیه های حزب

اعتراض و اولتیماتوم کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۲۲ دی کارگران بخشهای مختلف شرکت نیشکر هفت تپه از جمله 'کارخانه، تجهیزات، مکانیکی و کشاورزی در اعتراض به عدم پاسخ دهی به تحقق مطالباتشان برای چهارمین روز دست به اعتصاب زدند. اعتراضات این کارگران از روز چهارشنبه بخاطر عدم متعهد بودن کارفرما به وعده های داده شده و پرداخت نشدن دستمزد ماههای آبان و آذر و قراردادهای محدود جدید کاری و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل آغاز شد. در هفته گذشته کارفرما زیر فشار اعتصاب کارگران، فیش های حقوقی آبانماه را توزیع کرد. اما کارگران اعلام کردند که "فیش برای ما حقوق نمیشه". بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران کارگران از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکت بشدت ناراضی هستند. دلیلش نیز اینست که اجرای این طرح فقط اقلیت ناچیزی را در بر گرفته است که آنهم تغییری کمی در دریافتی هایشان ایجاد کرده است. کارگران نیشکر هفت تپه اظهار کرده اند که در صورت عدم پاسخگویی به مطالباتشان دست به اعتراضات گسترده تر خواهند زد

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۹۷، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۹

با شروع اعتصاب در هفت تپه یک ماه دستمزد
موقوفه کارگران پرداخت شد
کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر تمامی
خواستهایشان هستند



با شروع اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه که تمام بخشهای این شرکت را در بر گرفته است، مدیریت این شرکت روز ۲۴ دیماه دستمزد آبانماه کارگران نیشکر هفت تپه را پرداخت کرد. کارگران نه فقط خواهان پرداخت تمام طلبهای خود هستند بلکه تاکید دارند که تمام وعده هایی که در جریان اعتصاب قبلی آنها داده شد عملی شود.

در روزهای ۲۱ و ۲۲ دیماه بخشی از این کارگران بخاطر تعویق سه ماهه مزد خود اعتصاب را شروع کردند. این اعتصاب بخشهای دیگر را هم در بر گرفت و در روز ۲۳ دی کارگران بخشهای دیگر از جمله 'کارخانه، تجهیزات، مکانیکی و کشاورزی در اعتراض به عدم پاسخ دهی به تحقق مطالباتشان به اعتصاب پیوستند. با گسترش دامنه اعتصاب مدیریت شرکت یکماه از دستمزد موقوفه کارگران را پرداخت کرد و از کارگران خواست که به سرکار بازگردند. کارگران نیشکر هفت تپه دو ماه دیگر دستمزد طلب دارند و بر پرداخت تمام طلبهایشان تاکید دارند. این کارگران علاوه بر پرداخت مطالبات مزدی خود خواستار محقق شدن وعده هایی هستند که مدیران مجتمع در

اعتراضات قدرتمند این کارگران وعده داده است. از جمله کارگران نیشکر هفت تپه خواستار اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل که بهبودی بر دریافتی های آنهاست، می باشند. به گفته کارگران در نتیجه اجرای ناقص این طرح فقط دستمزد تعداد کمی از کارگران شاغل در هفت تپه تغییر کرده است و باقی کارگران از اجرای آن بی بهره مانده اند.

پایان دادن به فضای امنیتی در کارخانه يك خواست محوری کارگران نیشکر هفت تپه است. پایان دادن به فضای امنیتی بطور واقعی به معنای جمع شدن بساط شورای اسلامی و حراست این نهادهای سرکوب و جاسوسی از کارخانه است. پایان یافتن فضای امنیتی همچنین به معنای بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگرانی است که طی مبارزات این کارگران بازداشت و سپس با قید وثیقه آزاد شدند. آزادی بدون قید و شرط علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه يك خواست مهم کارگران نیشکر هفت تپه است.

حزب کمونیست کارگری از اعتراضات و خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه پشتیبانی میکند و بر اتحاد و همبستگی کارگران با اتکا به تصمیم گیری جمعی آنها در مجمع عمومی تاکید دارد. برپایی مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی کارگران شرط لازم ادامه قدرتمند و متحدانه اعتصاب و مبارزه در مقابل مدیریت و حکومت است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ دیماه ۱۳۹۷، ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹

کارگران فولاد اهواز خواهان آزادی
بدون قیدو شرط همکاران خود هستند

روز بیست و دوم دی ماه خانواده های ۴ کارگر زندانی گروه ملی فولاد اهواز به همراه تعدادی از کارگران این کارخانه با تجمع در مقابل دادگاه جمهوری اسلامی پیگیر وضعیت این کارگران شدند. اسامی کارگرانی که هنوز در زندانند عبارت است از طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی و کریم سیاحی. خانواده های این کارگران بطور منظم تجمع و اعتراض کرده اند و پاسخی دریافت نکرده اند. در بیانیه خبری ای که در این مورد در کانال تلگرامی کارگران فولاد اهواز منتشر شده این کارگران ضمن اعلام قدرانی از کارزار برای آزادی کارگران زندانی به ابتکار اتحادیه آزاد، از مردم اهواز، کارگران، معلمان، دانشستگان، دانشجویان و بخش های مختلف مردم در سراسر کشور خواسته اند که تا آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان و پاسخگویی به مطالباتشان، از اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد حمایت و پشتیبانی کنند. در این بیانیه بر خواست داشتن يك زندگی انسانی و به رسمیت شناختن حقوق اولیه ای چون برپایی مجمع عمومی و داشتن يك تشکل مستقل کارگری تاکید شده است. کارگران فولاد اهواز در این بیانیه خبری همچنین بر خواستهایی چون پایان دادن به فضای امنیتی ایجاد شده در محیط کار و تولید، خاتمه دادن به پرونده سازی های امنیتی برای کارگران و سرکوب زندان کارگران تاکید کرده اند. کارگران فولاد اهواز در بیانیه خبری خود چنین اعلام کرده اند "ما همچنان در مبارزه با فساد، تبعیض، بی عدالتی و غارت ثروت های کشور در صف اول باقی خواهیم ماند و برای دفاع از معیشت و زندگی رو به نابودی و سفره غارت شده خود هیچ مانعی نمیتواند سد راه مان باشد". این کارگران در پایان نسبت

به ادامه بازداشت همکارانشان هشدار داده و مسئولیت آنرا مستیما متوجه مدیریت شرکت، استاندار خوزستان و دادستان اهواز دانسته اند.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستها و مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز بر ادامه همبستگی ها با مبارزات این کارگران و آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران بازداشتی تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۹۷، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۹

اخباری از اعتراضات کارگری

علیه دستمزدهای پرداخت نشده در ۲۲ دی ماه

- کارگران پسماند و خدمات شهری شهرداری چوپنده از توابع آبادان به دلیل پرداخت نشدن چهار ماه حقوق و ۶ ماه مزایا دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

- در این روز رانندگان اخراجی شرکت حمل و نقل آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالباتشان مقابل ساختمان مدیریت این شرکت در تهران تجمع کردند. بنا بر خبرها حدود ۸۰ تا ۹۰ راننده این شرکت که از سال ۹۱ به بهانه اتمام قرارداد اخراج شدند، هنوز مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده اند. شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی مالک عمده سهام شرکت حمل و نقل آبادان است. به گفته رانندگان، هیچ يك از آنان قرارداد قانونی که در آن میزان دستمزد و مزایا به صورت مشخص نوشته شده باشد، امضاء نکرده اند. این رانندگان در دوره ۲۰ تا ۲۵ سال اشتغال خود تنها حق ماموریت دریافت کرده اند. رانندگان شرکت حمل و نقل آبادان پیش از این نیز با تجمع مقابل اداره کار تهران خواستار پرداخت مطالبات مزدی و رسیدگی به شکایت خود شده بودند. حدود ۳۰۰ راننده قرارداد مشارکتی دارند که از این تعداد حدود ۹۰ نفر از سال ۹۱ تاکنون به مرور اخراج شده اند.

- از ساعت ۹ صبح روز ۲۲ دی ماه کارگران بازنشسته کیان تایر در ادامه پیگیری مطالبه دریافت حق سنوات بازنشستگی خود که از شش سال پیش تا کنون معوق مانده است، مجددا مقابل وزارت صنایع تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی پس از گذشت دو ساعت و ادامه بهانه تراشی های وزارت صنایع، کارگران با سر دادن شعارهایی به روند کند اجرای خواستشان اعتراض کردند. کارگران شعار میدادند "وعده وعید نمیخواهیم، ما محمونی میخوایم"، "مدیر بی لیاقت استعفا"، "اختلاسها کم بشه حق ما پرداخت میشه"، "ما منتظر جواب هستیم هیچ جا نمیریم همینجا هستیم".

تجمع کارگران در این محل با اعلام خبر حل قطعی مشکل و صدور مجوز پرداخت سنوات ساعت دو بعدازظهر خاتمه یافت و به درخواست نمایندگان تجمع آنها به پارک ورشو در خیابان نجات الهی منتقل گردید. کارگران نهایتا ساعت ۵ بعد از ظهر تصمیم گرفتند با توجه به قول عملی شدن قطعی خواستهایشان به تجمع خود خاتمه دهند.

- در همین روز جمعی از کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند.

اطلاعیه های حزب

از صفحه ۹

- جمعی از کارگران شهرداری شادگان در اعتراض به معوقات مزدی چند ماهه خود در مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری
۲۲ دیماه ۱۳۹۷، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۹

تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته مقابل مجلس درمان رایگان حق مسلم ماست

روز دوشنبه ۲۴ دی ماه به دعوت "معلمان بازنشسته پارک شهر" حدود صد نفر از فرهنگیان بازنشسته در اعتراض به "بیمه تکمیلی" که کمترین نیازهای درمانی آنان را تامین نمیکند و با خواست درمان رایگان در مقابل مقابل سازمان بازنشستگی تجمع کردند. شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این روز عبارت بودند: "بیمه کارآمد، درمان رایگان است"، "معیشت، منزلت، سلامت با بیمه کارآمد، حق مسلم ماست"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد".

بازنشستگان در تجمعاتشان بارها و بارها بر خواست درمان رایگان تاکید گذاشته اند. روز قبل از آن فرهنگیان بازنشسته نیز در اعتراض به دزدی های صندوق ذخیره فرهنگیان مقابل دفتر این صندوق در میدان ونک تجمع اعتراضی برپا کردند. از جمله شعارهای معلمان بازنشسته در این دو روز عبارت بودند از: "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"، "نیاز ما این زمان معیشت است و درمان"، "اختلاسها کم بشه مشکل ما حل می شه"، "وعده بس است، عمل کنید". در این تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته همچنین با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد"، خواهان آزادی معلمان زندانی شدند. معلمان بازنشسته اعلام کرده اند که تا وقتی به خواسته های آنان پاسخ داده نشود، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. خواست درمان رایگان و آزادی معلمان در بند خواست همه مردم است. اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، روح الله مردانی و محمود بهشتی از جمله معلمانی هستند که به دلیل دفاع از حقوق معلمان و دانش آموزان به سالها زندان محکوم شده اند.

حزب کمونیست کارگری همه معلمان و مردم، بویژه خانواده های دانش آموزان را به حمایت فعال از اعتراضات معلمان فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ دیماه ۱۳۹۷، ۱۴ ژانویه

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتراضات معلمان و چند خبر مهم دیگر

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۲۰ دی بخشی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه طبق قرار قبلی که در هجدهم دیماه اعلام کرده بودند، در اعتراض به تعویق پرداخت دو ماه دستمزد و دیگر مطالباتشان دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. کارفرما در هراس از شروع مجدد اعتصاب در این مجتمع کارگری که

امروز مورد توجه همه مردم است، در ساعات پایانی شب گذشته اقدام به انتشار قراردادهای جدید کاری جهت رویت کارگران کرد.

تجمعات اعتراضی معلمان در شهرهای اصفهان، اردبیل، تبریز، یزد و کرمانشاه

روز ۲۰ دیماه معلمان در شهرهای اردبیل، تبریز، یزد و کرمانشاه در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع اعتراضی بر پا کرده و پیگیر خواسته هایشان شدند. روز نوزدهم دی ماه نیز در اصفهان معلمان تجمع کردند. در این تجمعات معلمان بر سطح نازل حقوقها، بیمه ناکارآمد و محرومیت از درمان رایگان و کاهش دائم قدرت خریدشان اعتراضات خود را اعلام داشتند. بر روی بنرهای اعتراضی معلمان خواسته هایی چون افزایش حقوق به بالای خط فقر ۶ میلیونی، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان برای همه و آزادی معلمان زندانی می درخشید. در کرمانشاه معلمان که دو ماه حقوق نگرفته اند با شعارهای دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، صدای اعتراضاتشان را بلند کردند. در اصفهان یک موضوع مهم اعتراض معلمان حمله نیروهای انتظامی به تجمع قبلی آنها در ۶ دیماه بود. در این روز نیز نیروی انتظامی بسیاری در محل حاضر شده بود.

تجمع اعتراضی کارگران پسماند و خدمات شهری شهرداری چوبنده

روز ۲۰ دی ماه حدود ۴۰ نفر از کارکنان پسماند و خدمات شهری شهرداری چوبنده از توابع آبادان به دلیل پرداخت نشدن چهار ماه حقوق و ۶ ماه مزایا، برای چندمین روز متوالی مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کیان تایر در جلوی ساختمان وزارت صنایع

از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۹ دی بازنشستگان کیان تایر در ادامه پیگیریهایشان برای وصول حق سنوات بازنشستگی خود مقابل ساختمان وزارت صنایع در خیابان سمیه کلاتری تجمعی برپا کردند. این کارگران در هفته گذشته در یازدهم دیماه نیز در همین رابطه تجمع داشتند. بنا به گزارشها زیر فشار اعتراضات کارگران چهل روز قبل هفده میلیاردر تومان جهت تسویه کامل طلبهای کارگران بازنشسته کیان تایر بابت حق سنواتشان به حساب وزارت صنایع واریز شده است. ولی همچنان کارگران را سر میدوانند و خبری از پرداخت طلبها نیست. در تجمع روز ۱۹ دی بازنشستگان بعد از ساعاتی اعتراض در ساعت ۴ بعد از ظهر به سمت خیابان سمیه حرکت کردند و اقدام به نشستن در وسط خیابان سمیه کردند و بدین ترتیب برای دقایقی خیابان بسته سد. کارگران شعار میدادند: "وعده وعید نمیخواهیم ما حقمونو میخواهیم" و "یه اختلاس کم بشه حق ما پرداخت میشه" و "مدیر بی لیاقت استعفا استعفا". در خاتمه کارگران با وعده حل مشکلاتشان تا روز شنبه ۲۲ دیماه، به تجمع خود خاتمه دادند و قرار شد در صورت عدم تحقق پرداخت سنوات مجدداً به تجمع خود ادامه دهند.

تجمع اعتراضی کارگران معدن طلای آق دره

روز ۱۹ دی کارگران معدن طلای آق دره در شهرستان تکاب در اعتراض به اخراجها دست به تجمع زدند. طی دو ماه گذشته

بیش از ۳۲۰ کارگر این معدن از کار اخراج شده اند. به گفته کارگران کارفرما با توجه فصلی بودن کار، از تسدید قرارداد با آنها خودداری کرده است و این اتفاقی است که تقریباً هر سال تکرار میشود.

تجمع اعتراضی نانوایان در شهر طبس

روز ۱۶ دی نانوایان در شهر طبس در اعتراض به عدم افزایش دستمزد تجمع کردند. به گفته این کارگران دستمزد آنان از سال ۹۳ افزایش نیافته و مرتبط دانستن دستمزد آنان به نرخ نان و پیمان های دسته جمعی، باعث شده که دستمزد آنان حتی از همان دستمزد چند بار زیر خط فقر تعیین شده شورایی عالی کار کمتر باشد و سطح آن همچنان منجمد بماند. این کارگران به دستمزدهای نازل و زیر خط فقر خود اعتراض دارند و خواستار افزایش فوری آن هستند.

تجمع اعتراضی کارکنان رسمی شرکت نفت مقابل مجلس اسلامی

روز ۱۹ دی کارکنان رسمی شرکت نفت در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضعیت بد معیشتی، گرانی و عدم تحقق وعده های مقامات مسئول در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند.

اعتصاب رانندگان ماشین آلات فاز ۱۲ پارس جنوبی عسلویه

روز ۱۸ دی رانندگان ماشین آلات فاز ۱۲ در پارس جنوبی عسلویه در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ دیماه ۱۳۹۷، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹

حاضر در یک دادگاه عادلانه...

از صفحه ۷

لباس های با جزوی و تحقیر شدم، با جزوی با شکم گرسنه از صبح تا چند ساعت پس از خاموشی، آیا شکنجه نیست؟ با داشت پایان یافت اما شکنجه ها، نه شخصی که خود را نماینده ی وزارت اطلاعات شوش معرفی کرده، در میان پنج هزار کارگر نسبت های غیراخلاقی به من داده و این اتهام ها به گوش خانواده ام هم رسیده. تصور کنید در یک شهر کوچک، و در فرهنگی سنتی، صرفاً به میابنجی آن ادعاها، لباس های با جزوی و تحقیر شدم، با جزوی با شکم گرسنه از صبح تا چند ساعت پس از خاموشی، آیا شکنجه نیست؟ با داشت پایان یافت اما شکنجه ها، نه شخصی که خود را نماینده ی وزارت اطلاعات شوش معرفی کرده، در میان پنج هزار کارگر نسبت های غیراخلاقی به من داده و این اتهام ها به گوش خانواده ام هم رسیده. تصور کنید در یک شهر کوچک، و در فرهنگی سنتی، صرفاً به میابنجی آن ادعاها،

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!